



## رمانتیسیم اجتماعی در شعر فریدون تولگی و خلیل مطران

محمود حیدری<sup>۱</sup>، عماد بحرانی پور<sup>۲</sup>

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یاسوج

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

### چکیده

در شعر معاصر فارسی و عربی فریدون تولگی و خلیل مطران را از جمله طلایه‌داران و آغازگران در شعر نومی دانند که علاوه بر آن عناصر رمانتیسیم به ویژه رمانتیسیم اجتماعی در شعر آنها بیشتر و برجسته‌تر است. عوامل محیطی، تجربه‌های اجتماعی و سیاسی، مطالعات مختلف، فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، ادبی و موقعیت تاریخی و اجتماعی که این دو شاعر در آن رشد کردند باعث شد رویکرد اجتماعی آنها در گرایش به رمانتیسیم بیشتر شود. پژوهش حاضر بر مبنای مکتب اروپای شرقی ادبیات تطبیقی، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری رمانتیسیم اجتماعی در شعر این دو شاعر را برشمرد و پس از آن برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رمانتیسیم اجتماعی را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رمانتیسیم اجتماعی تولگی بیشتر تحت تأثیر فضای تیره و خفقان آور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است اما رمانتیسیم اجتماعی مطران بیش از هر چیز متأثر از جریان مهاجرت و عواطف و افکار ناشی از دوری وطن و سرزمین مادری است. آزادی‌طلبی، مقابله با ظلم و جور، همدلی با محرومان جامعه، قهرمان ستایی، ملی‌گرایی و ... برخی از مولفه‌های مشترک دو شاعر محسوب می‌شود، با این تفاوت که شعر تولگی عصیانی‌تر و صریح‌تر و شعر مطران با استفاده از ظرفیت داستانی، ملایم‌تر و غیر صریح است.

**کلید واژگان:** رمانتیسیم اجتماعی، شعر معاصر فارسی و عربی، فریدون تولگی، خلیل مطران

### ۱- مقدمه

رمانتیسیم به عنوان یک نهضت فکری و ادبی با یک روند تدریجی در قرن هجدهم علیه اصول نئوکلاسیسم قیام کرد، عصر احساس و پیش رمانتیسیم را در میانه‌ی قرن پشت سر گذاشت و در پایان همین قرن شکل گرفت و توانست در ابتدای قرن نوزدهم به اوج خود برسد (فورست ، ۱۳۸۷: ۲۹). سرخوردگی از جزم‌اندیشی‌های فکری و فلسفی حاکم بر قرن هفدهم و نیمه‌ی اول قرن هجدهم، انعطاف ناپذیری اصول از پیش



تعیین شده برای درک جهان هستی در بینش کلاسیک و تکیه کردن بیش از حد بر عقل‌مداری و فردگرایی برای ارزیابی هر مسأله در جهان پیرامون و نادیده انگاشتن ذوق و نبوغ و احساس از عوامل کلی فکری و فلسفی در رشد رمانتیسم در اروپا بود (همان: ۳۱). به لحاظ سیاسی و اجتماعی، اثرگذارترین عامل بر روند شکل‌گیری رمانتیسم را انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ م) می‌دانند (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۱). تحولات اقتصادی و انقلاب صنعتی نیز توانست تأثیر زیادی بر روند شکل‌گیری رمانتیسم اروپایی داشته باشد (برلین، ۱۳۸۵: ۲۸). آثار و اندیشه‌های ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) فرهنگ و ادبیات شرق، تضعیف اصول و ارزش‌های کلاسیسم به دلیل از بین رفتن آئین‌ها و رسوم اشرافی نیز از جمله عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری این نهضت فکری و ادبی در اروپا است (جعفری، ۱۳۷۸: ۷۲-۹۴).

«رومانتیسم در اصل یک جنبش مطلقاً انقلابی است و شعارهای آن همان سخنان فلسفی و سیاسی است که تقریباً همه‌ی آنها در عصر روشنگری مطرح شده است: بیان آزاد حساسیت‌های انسان و تأثیر حقوق فردی» (سید حسینی، ۱۳۸۷/۱۶۱-۱۶۲). این مکتب یا در واقع نهضت ادبی نوعی واکنش نسبت به شرایط موجود در اروپا بود و ماهیتی انقلابی، اعتراضی و اجتماعی داشت که بر بخش زیادی از ادبیات جهان تأثیر گذاشت.

رمانتیسم اجتماعی یکی از مهمترین و شاخص‌ترین گرایش‌های رمانتیسم است که در ادبیات فرانسه بیش از دیگر کشورهای اروپایی نمود دارد (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۶۶-۱۷۴). رمانتیسم در این رویکرد بر ویژگی‌های خاصی تأکید دارد که بعضاً عبارتند از: عصیان علیه شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، ظلم‌ستیزی و ایستادگی در برابر ظلم و جور، ستایش آزادی و رهایی، ذکر مفاخرت‌ها و رشادت‌های قومی و ملی، دعوت به بیداری و آگاهی، آرمان‌گرایی و ترسیم افق روشن آینده، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، ستایش قهرمانان، دفاع از محرومان و مظلومان در جامعه، توصیف وضعیت جامعه و اجتماع و... (همان: ۱۷۴-۱۸۴).

رمانتیسم اجتماعی پیوندی تنگاتنگ با جامعه و اجتماع دارد. هم می‌تواند منعکس‌کننده‌ی آرمان‌ها و آرزوهای یک جامعه باشد و هم می‌تواند از وضعیت حاکم بر آن حکایت کند. در ایران از دوره‌ی مشروطه (۱۲۸۵ ه.ش) و در کشورهای عربی به تدریج از دوره‌ی بیداری و حمله‌ی ناپلئون به مصر (۱۷۹۸ م) بخش قابل توجهی از ادبیات تحت تأثیر اندیشه‌ها و آثار ادبی کشورهای اروپایی قرار گرفت. بسیاری از شاعران و نویسندگان با مطالعه در ادبیات اعتراضی فرانسه و آشنایی با اندیشه‌ها و آثار آن کشور به ویژه رمانتیک‌های آن که عموماً گرایش‌های انقلابی و اجتماعی داشتند و همچنین با توجه به موقعیت اجتماعی و سیاسی که در این دوره از تاریخ در ایران و کشورهای عربی حاکم بود گرایش‌های اجتماعی رمانتیک در آثارشان شکل گرفت. «این ابعاد و زمینه‌ها هم، تا حدودی، در وضعیت اجتماعی و فکری ایران عصر جدید قابل شناسایی است. ادبیات جدید فارسی از این جهت با ادبیات برخی از کشورهای جهان سوم، ممالک همجوار و کشورهایی که وضعیتی مشابه با ایران دارند بیشتر قابل مقایسه است. بنابراین نیم‌نگاهی به ادبیات جدید ترکیه و کشورهای عربی می‌تواند برای ما سودمند باشد» (همان، ۱۳۸۸: ۱۵).



این مقاله رمانتیسم اجتماعی را در ادبیات معاصر فارسی در شعر فریدون تولگی از شاعران دوره‌ی رضاشاه و در ادبیات معاصر عرب در شعر خلیل مطران از شاعران دوره‌ی حکومت سلطان «عبدالحمید» عثمانی (۱۸۷۶-۱۹۰۹) به عنوان نمایندگان و آغازگران نوین رمانتیسم مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

علاوه بر کتاب‌هایی که به شعر دو شاعر -و البته به طور جداگانه- پرداخته و در فهرست منابع نیز ذکر شده‌اند، پژوهش‌هایی نیز در مجلات علمی به چاپ رسیده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: منصوره زرکوب و زهرا سلیمانپور (۲۰۱۲)، در مقاله‌ی «خلیل مطران بین الشعرالتاریخی والنضال السیاسی» شعرهای تاریخی و روایی مطران را از منظر سیاسی و اجتماعی بررسی کرده‌اند و علی سلیمی و فاطمه سلیمی (۱۳۹۰)، به «بررسی تطبیقی نماد «شیر» در شعر نیما یوشیج و خلیل مطران» پرداخته و نحوه‌ی نگرش آنها را به عنوان دو شاعر رمانتیک مطرح کرده‌اند. یوسف عبدالمجید فالح الضمور (۲۰۱۱)، نیز در پایان نامه‌ی «صورة الامراه فی شعر خلیل مطران» نقش زن را در شعر خلیل مطران مورد مطالعه قرار داده است. حسن زندیه و محسن اسماعیلی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی «روح نامرئی شعر فارسی...» به اشعار تولگی از منظر رمانتیسیسم می‌پردازد. علی محمدی و فاطمه کولیوند (۱۳۹۰)، سیر شعر هوشنگ ابتهاج را از رمانتیسم فردی به رمانتیسم اجتماعی در مقاله‌ی «بررسی دید و سبک شعری سایه از رمانتیسم فردی به رمانتیسم اجتماعی» مورد بررسی قرار داده و به رمانتیسم اجتماعی در شعر این شاعر پرداخته‌اند اما پژوهشی که به طور خاص به رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون تولگی و خلیل مطران به طور مستقل یا تطبیقی پرداخته باشد، یافت نشد. جدیدترین پژوهش در این حوزه از علی پروانه و همکاران (۱۳۹۴) است که رمانتیسم اجتماعی را در داستان کوتاه گیله مرد اثر بزرگ علوی و النهر زکریا تامر بررسی کرده‌اند.

## ۳- شیوه‌ی پژوهش

ادبیات تطبیقی به عنوان روشی نوین در مطالعات ادبی در این مقاله به ما کمک می‌کند تا بهتر بتوانیم با ادبیات خود و دیگر ملل آشنا شویم و شاید موجزترین تعریفی که بتوان از آن ارائه داد همان است که شورل بیان کرده: «مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوتند» (شورل، ۱۳۸۶: ۲۵). یکی از مکتب‌های ادبیات تطبیقی، مکتب روسی یا اروپای شرقی است که قائل استزمنه‌های اجتماعی مشابه و مشترک باعث به وجود آمدن آثاری شبیه به هم می‌گردد. بر اساس این مکتب، ادبیات ارتباط مستقیم و متقابلی با شرایط و زمینه‌های اجتماعی دارد و شرایط اجتماعی و فرهنگی مشابه در بین جوامع، باعث پیدایش رویکردهای ادبی مشابه می‌شود. «طبق این مکتب، بررسی روابط ادبیات ملل مختلف بر اساس پیگیری نقاط اشتراک و تشابه میان آنها است که این نقاط اشتراک و تشابه بر اثر وجود بسترهای اقتصادی و اجتماعی مشترک و تأثیر آنها بر ادبیات و هنرشان بوده است» (پروینی، ۱۳۸۹: ۵۵).



در این پژوهش بر اساس مکتب مذکور، پس از بررسی عوامل و زمینه‌های مهم شکل‌گیر رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون تولگی و خلیل مطران، مصادیق و نمودهای بارز رمانتیسم اجتماعی در شعر آنها مطرح می‌گردد و شباهت‌ها و همچنین تفاوت‌های هنری دو شاعر در رابطه با این رویکرد و جریان ادبی بررسی می‌شود.

## ۴- عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری رمانتیسم اجتماعی در شعر دو شاعر

### ۴-۱- فریدون تولگی

فریدون تولگی (۱۳۶۴-۱۲۹۸) شخصیتی ناآرام و معترض داشت به همین دلیل حضور او در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی چشم‌گیر بود. او در برابر بسیاری از نامرادی‌ها و سیاست‌هایی که از سوی حکومت پهلوی علیه ملت و مملکت اعمال می‌شد ایستادگی کرد و با بسیاری از دولتمردان حکومت پهلوی در آثار نثر و شعر خود به زبان جدی و طنز به مبارزه پرداخت. «در فروردین سال ۲۵ نخستین شعر فریدون تولگی به نام مریم در مجله‌ی سخن چاپ می‌شود. شعر مریم، تأثیر عمیقی بر مدرنیست‌های محافظه‌کار می‌گذارد و تولگی را تا حد رهبری این جریان پیش می‌برد، به طوری که این سال، سال اوج‌گیری شعر رمانتیک محافظه‌کار است» (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱/۲۲۹).

تولگی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی اولین مجموعه‌ی شعر خود را با نام «رها» همراه با مقدمه‌ای تحت عنوان «کهنه و نو» منتشر کرد که این مقدمه به عنوان بیانیه‌ی جریان رمانتیسم شعر معاصر فارسی معرفی شد. دیگر دفترهای شعری او عبارتند از: «نافه» (۱۳۳۹)، «پویه» (۱۳۴۴)، «شگرف» (۱۳۵۳)، «بازگشت» (۱۳۶۹) و «کابوس» (۱۳۸۶). علاوه بر دفترهای شعری، تولگی طنزها و انتقادهای سیاسی و اجتماعی خود را در مجموعه‌های «التفاصيل» و «کاروان» به صورت نظم و نثر منتشر کرد.

فریدون تولگی پس از نیما از جمله شاعران پیشرو و تأثیرگذار شعر معاصر فارسی است «و می‌توان گفت که به جز خانلری و گلچین گیلانی و نیما، همه‌ی استعدادهای برجسته‌ای که در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ به جریان تحول شعر فارسی دل سپرده‌اند بیش و کم، مستقیم و غیر مستقیم، تحت تأثیر تولگی بوده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۰۴).

نوجویی و تجددطلبی فریدون تولگی یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و تقویت رمانتیسم اجتماعی به ویژه در دوره‌ی اول شاعری او به شمار می‌رود. تولگی در این دوره هم به مسائل جاری در جامعه و اجتماع معترض است و هم شعر و ادب کلاسیک و حاکم بر فرهنگ معاصر را مورد انتقاد قرار می‌دهد. جبهه‌گیری تولگی در برابر شاعران سنت‌گرا به خصوص در مجموعه‌ی «رها» و مسائلی که در مقدمه‌ی آن با عنوان «کهنه و نو» مطرح کرد عملاً او را یک شاعر متجدد و رمانتیک انقلابی و اجتماعی در شعر معاصر فارسی معرفی کرده است.

بی‌تردید نیما یوشیج که خود تحت تأثیر ادبیات رمانتیک فرانسه بود بر شعر و اندیشه تولگی - لاقدر در برهه‌ای از زمان - تأثیرگذار بود. با توجه به تقدم و تأثیر گسترده و عمیق نیما و شعر «افسانه» بر فضای ادبی و شعری آن دوره، بی‌تردید نمادگرایی در رمانتیسم اجتماعی تولگی



از آن متأثر بوده است. این تأثیر را در شعرهایی از قبیل «پشیمانی» و «مریم» که رگه‌هایی از رمانتیسم اجتماعی نیز در آنها مشاهده می‌شود و به سبک و سیاق «افسانه» است می‌بینیم.

آشنایی با ادبیات انقلابی فرانسه و مطالعه آثار رمانتیک شاعران آن، تأثیر چشم‌گیری در روند شکل‌گیری رمانتیسم به ویژه رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون تولگی دارد (باباچاهی، ۱۳۸۰: ۲۰۷). تولگی هم تا حدودی تحت تأثیر آنها و شرایط فردی و اجتماعی خود، در کنار دیگر عناصر رمانتیسم، احساسات و عواطف تند اجتماعی را در شعر خود منعکس کرده است.

عضویت در حزب توده، طرفداری از دولت مصدق، انتقادهای تند و صریح از سیاست‌های حکومت پهلوی و عملکرد دولتمردان و مسؤولان حکومتی باعث شد تا در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فریدون تولگی نیز از گزند حکومت در امان نماند. او مدتی به صورت مخفیانه زندگی کرد و طعم زندان را نیز چشید (تبریزی شیرازی، ۱۳۷۶: ۸). کودتای ۲۸ مرداد از مهمترین مسائل سیاسی و اجتماعی است که در شکل بخشیدن به رمانتیسم تولگی و تغییر جهت آن به سمت و سوی رمانتیسم انقلابی و اجتماعی تأثیر بسیاری داشته است. «این مایه‌ی شکست کافی بود تا تولگی را نیز همچون بسیاری از شاعران و روشنفکران همزمان او به اعماق نومیدی فرو برد. در این مقطع، رنگ‌های ناشاد چشم انداز تولگی را تیره و تار می‌سازد» (باباچاهی، ۱۳۸۰: ۷۷).

## ۲-۴- خلیل مطران

«خلیل مطران» (۱۸۷۲-۱۹۴۹) از خانواده‌ای مسیحی در «بعلبک» لبنان متولد شد. پس از پایان تحصیلات و هم‌زمان با ظهور و رشد اندیشه‌های استقلال طلبانه و آزادی خواهانه در او و دیگر روشنفکران، در جستجوی راهی برای رهایی از قید استبداد حکومت عثمانی سلطان «عبدالحمید» برآمد. «مطران گرایش آزادی خواهانه‌ی خود را به شعر و ادبیات و اجتماع گسترش داد و صدای انقلابی خود را علیه استبداد سلطان عبدالحمید بلند و ملت را به بیداری قومی و مقاومت علیه ظلم و طغیان دعوت کرد» (الفاخوری، ۱۳۸۷: ۱۰۱۹).

دیوان شعری خلیل مطران برای نخستین بار در سال ۱۹۰۸ میلادی منتشر شد. «اکثر اهل فن اتفاق نظر دارند که خلیل مطران از پیشروان برجسته‌ی نوگرایی بود، او با نظریات و شعر خود توانست مسیر را برای شعر معاصر عربی هموار کند تا مرحله‌ی بیداری را به سوی مرحله‌ای که در آن روح زمانه و تجربه‌ها و ارزش‌های فنی جدید آن نمود پیدا می‌کند پشت سر بگذارد» (القط، بی تا: ۹۵).

مهمترین عامل سیاسی و اجتماعی که توانست بر رمانتیسم در شعر خلیل مطران تأثیر بگذارد استبداد ترکان عثمانی و حکومت سلطان «عبدالحمید» بود. او در جوانی به ذم حکومت عثمانی عبدالحمید پرداخته بود و همین امر باعث شد همواره از سوی حکومت مورد تعقیب قرار بگیرد (جحا، ۱۹۸۱: ۱۴۶).

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خلیل مطران و عصیان او علیه استبداد و ظلم در فرانسه با پیوستن به حزب سیاسی «ترکیا الفتاة» ادامه پیدا کرد. او پس از مهاجرت به مصر نیز به این فعالیت‌ها ادامه داد به شکلی که بخش قابل توجهی از اشعار او به طور مستقیم و غیر مستقیم نتیجه‌ی



همین فعالیت‌ها و اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی است. بسیاری از شعرهای تاریخی و روایی مطران منعکس کننده‌ی ذهنیت سیاسی و اجتماعی شاعر است (ضیف، ۱۹۵۹: ۱۲۷). شعرهای روایی و تاریخی مهم و برجسته‌ای از او در این زمینه به چاپ رسید از جمله: «الأهرام»، «مقتل بزرجمهر»، «فنجان قهوه»، «فتاة جبل الأسود»، «نیرون»، «عتاب و استصراخ»، «السورالكبير في الصين» و غیره. از دیگر عوامل مهم و مؤثر بر رمانتیسم خلیل مطران مهاجرت و دوری او از وطن بود. غم غربت، دوری از وطن، دیدن ترقی و پیشرفت کشورهای اروپایی در مقایسه‌ی آن با سرزمین مادری و دیگر کشورهای عربی، مشکلات مادی و عاطفی و مسائل دیگر از جمله پیامدهای مهاجرت بود.

خلیل مطران با مهاجرت به فرانسه توانست از نزدیک با اندیشه‌های انقلابی آشنا شود و به مطالعه‌ی آثار مختلف غربی به ویژه آثار رمانتیک‌ها بپردازد. «ویکتور هوگو»، «آلفونس لامارتین» و «آلفره دوموسه» از جمله شاعران و نویسندگان رمانتیک فرانسوی بودند که با مطالعه‌ی آثارشان تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های اجتماعی آنان در ادبیات قرار گرفت (بنیس، ۲۰۰۱: ۱۸۰-۱۸۱).

روابط دوستانه و اجتماعی نیز در شکل‌گیری و انعکاس رمانتیسم اجتماعی در شعر خلیل مطران تأثیر به‌سزایی داشت. مرگ دوستان و عزیزان در شخصیت شاعر و برانگیختن عواطف اجتماعی‌اش تأثیرگذار بود. بخشی از مرثیه‌های ناب و خالصانه‌ی شاعر از همین قبیل می‌باشد «رثای صادقانه و بی تکلف که شاعر، ناخودآگاه خود را به سوی آن سوق داده می‌یابد به سوی شعرهایی که در آن رثای قهرمانان مصر و دوستان صمیمی او از قبیل شاعران بزرگ و دوستان نزدیک است و اودراین نوع اشعار از احساسی‌عام و غمی مشترک تعبیر می‌کند که از دست دادن آنرا زبانی برای وطن‌اجتماعی‌بیند» (جحا، ۱۹۸۱: ۱۸۵). این مرثیه‌ها باعث شد شاعر به مسائل اجتماعی و عمومی بپردازد و به سمت نوعی رمانتیسم اجتماعی سوق پیدا کند.

شکست مالی و اقتصادی خلیل مطران در سال ۱۹۱۲ میلادی نیز از عوامل مؤثر بر رمانتیسم اجتماعی در شعر او بود که باعث شد به یأس و بدبینی عمیقی دچار شود. قصیده‌های معروف «الأسد الباکی» یا «ساعة اليأس» و «المساء» در همین دوران سروده شدند (یوسف بلاطه، ۱۹۶۰: ۱۰۸-۱۱۱).

خلیل مطران از جمله شاعران پیشرو در شعر معاصر عرب به ویژه در گرایش به رمانتیسم اجتماعی است که توانست بر شاعران و انجمن‌های مختلف ادبی تأثیر بگذارد. او بر شاعران انجمن‌های ادبی «الدیوان» و «المهجر» و همچنین بر انجمن «آپولو» که گرایش‌های تازه‌تری داشت تأثیر فراوانی گذاشته است.

## ۵- شاخصه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون توللی و خلیل مطران



مؤلفه‌ها و عناصر رمانتیسم اجتماعی که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است عبارتند از: ستایش آزادی و رهایی اجتماعی و سیاسی، عصیان علیه شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم، دعوت به بیداری، آرمان‌گرایی، ملی‌گرایی، قهرمان‌ستایی همراهی با غم و اندوه جامعه و دفاع از محرومان و مظلومان، پیوند معشوق فردی با معشوق اجتماعی، انزواگرایی و دوری از اجتماع و نمادگرایی.

### ۱-۵- ستایش آزادی و رهایی اجتماعی و سیاسی

رمانتیسم قبل از هر چیز منادی آزادی و رهایی از هر نوع قید و بند است چه در حوزه‌ی فکری- فرهنگی و چه در حوزه‌ی اجتماعی و سیاسی. بسیاری از رمانتیک‌ها از نظر سیاسی و اجتماعی مدافع آزادی بودند و عدالت و برابری و رهایی از استبداد فکری و حکومتی را جستجو می‌کردند. آنها «آزادی فرد را با آزادی ملت‌ها همخوان می‌دیدند و در جستجوی نیروی بودند که بتواند برای درهم ریختن وضع موجود و از میان بردن تباهی‌ها، از اعماق زندگی مردم و روح جمعی ملت‌ها سر بر آورد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

تولگی در شعری با عنوان «سر به درگاهت نسایم» از مجموعه‌ی «بازگشت» به طور مستقیم آزادی و آزادگی خود را در برابر قدرتمندان و حاکمان جامعه اعلام می‌کند. شاعر، خود را از نسل آزاده‌ای می‌داند که هیچ‌گاه زیر سلطه‌ی دیگران و در قید ظالمان و سیاستمداران جامعه قرار نمی‌گیرند:

«ای که گویی: «داریوشم، کوروشم، نوشیروانم!» / سر به درگاهت نسایم، گر بسایی استخوانم!

پور دستانم که دست آموز دستانت نگردم / گر چه اندر خانه بنشاندی، چو زالی ناتوانم» (تولگی، ۱۳۸۰: ۳۴۳)

تولگی در پایان شعر، خود را مرغی می‌داند که جز برای آزادی و رهایی نمی‌سراید و هرگز حاضر نیست بر آستان حاکمان و سیاستمداران جبار کرنش کند و ثناگوی آنها باشد. او در بخشی از شعر «بهشت غلامان» ستمگران و حاکمان جبار را با آزادی و آزادگی بیگانه می‌داند و رسیدن به آزادی و آزادگی را مستلزم داشتن سر شوریده و بی‌پروا می‌داند:

«قصه‌ی آزادگی به گوش ستمگر / وصف عبیر است بر گرفته مشامان / تا سر شوریده زیب چوبه‌یدارست / نیست سری

در زمانه بی سر و سامان» (همان، ۱۳۶۹: ۱۰۱)

تولگی در شعری از دفتر «کابوس» با نام «تا آخرین نفس» پایان دادن به اسارت و بندگی و درد و رنج جامعه و رسیدن به آزادی را آغاز افتخار می‌داند و در این امر با بیانی برانگیزاننده جامعه را به مبارزه با ظلم و اسارت دعوت می‌کند (همان، ۱۳۸۰: ۴۳۰). روحیه‌ی آزادگی و آزادی خواهی رابه عنوان یکی از شاخصه‌های مهم رمانتیسم اجتماعی در شعر دیگری از فریدون تولگی می‌بینیم (همان، ۱۳۸۶: ۶۸).

خلیل مطران نیز که در ادبیات معاصر عرب، هم شخصاً درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی بود و هم ناظر بی‌عدالتی و ظلم و ستمی که بر جامعه از سوی حاکمان و سیاستمداران عثمانی اعمال می‌شد در بسیاری از اشعار خود به تبع شاعران مکتب رمانتیسم، آزادی و رهایی را ستوده است. او در شعری با عنوان «تحیة الحریة» که به مناسبت پیروزی حزب «ترکیا الفتاة» در حکم «الدستور» عثمانی سروده شد به وصف و



ستایش آزادی می‌پردازد. «مطران در این هنگام بغض خود را می‌شکند و زبان خود را از بند آزاد می‌کند» (ضیف، ۱۳۲:۱۹۵۹). او در این شعر آزادانه و بی‌پروا به ستایش رهایی و آزادی روی می‌آورد:

«حُیْتِ خَيْرَ تَحِيَّةٍ / يَا أُخْتِ شَمْسِ الْبَرِيَّةِ / حُيْتِ يَا حُرِّيَّةَ / الشَّمْسُ لِلْأَشْبَاحِ / وَأَنْتِ لِلْأَرْوَاحِ / كَالشَّمْسِ يَا حُرِّيَّةَ /

أَنْتِ النَّعِيمُ وَأَحْلَى / أَنْتِ الْحَيَاةُ وَأَعْلَى / لِلخَلْقِ يَا حُرِّيَّةَ / شَارَفْتِنَا فَانْتَعَشْنَا / وَفِي ضِلَالِكَ عَشْنَا بِالْعَدْلِ حُرِّيَّةَ» (مطران ۱۹۷۷: ۳/۵۰۳)

(بهترین درودها بر تو باد! ای خواهر آفتاب آفرینش/زنده باشی ای آزادی/آفتاب برای سایه هاست، اما تو برای جان‌هایی/همچو آفتاب ای آزادی/تو راحتی و خوشی هستی بلکه از آن شیرین تر، تو زندگانی هستی بلکه ارزشمند تر/برای مردمان ای آزادی/به ما ارزش و اصالت بخشیدی تا که جان گرفتیم و رشد کردیم و در سایه ی تو زیستیم/با عدالت ای آزادی)

مطران به همان صورت که نسبت به ظلم عثمانیان علیه ملت لبنان و غیر لبنان آگاهی و بیداری بخشید، بیداری نسبت به ظلم استعمارگران انگلیسی علیه مصر و اهالی مصر را نیز برانگیخت (ضیف، ۱۳۴:۱۹۵۹). او به مناسبت خروج نیروهای نظامی انگلستان از مصر شعری سروده و از اینکه این کشور از یوغ نیروهای بیگانه رها شده است اظهار شادمانی می‌کند و این آزادی و رهایی را می‌ستاید. شاعر بند و زندان را زمینه و اساس سربلندی و شکوه مصر می‌داند (مطران، ۱۹۷۷: ۲/۴۰۴). همچنین در شعری به نام «تحیه الاستقلال» به قهرمانان راه استقلال و آزادی درود می‌فرستد و در نهایت برای مصر و استقلال و آزادی اش آرزوی ماندگاری می‌کند (همان: ۵۶۰-۵۶۱).

## ۲-۵- عصیان علیه شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم

عصیان و انقلاب علیه شرایط حاکم و موضع‌گیری انتقادی از آثار اندیشه‌ها و افکار رمانتیسم احساسی و اعتراضی فرانسه است (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۶۴) که این دو شاعر نیز از آن متأثر بوده‌اند. تولگی در شعری با عنوان «اندرز سوختگان» از دفتر «بازگشت» فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه را به باد انتقاد می‌گیرد او در ابتدای شعر از حيله و مکر انتقاد می‌کند که از حکومت و سیاست در جامعه سرایت دارد:

«ترسم ز فرط شعبده، چندان خرت کنند / تا داستان عشق و وطن باورت کنند

من رفتم از چنین ره و دیدم سزای خویش / بس کن تو، ورنه خاک و وطن برسرت کنند»

(تولگی، ۱۳۶۹: ۲۵)

او در این شعر انتقاد خود را از عوام نیز دریغ نمی‌کند چرا که مردم در فرهنگی که حکومت و سیاست ایجاد کرده چنین شده‌اند. تولگی در ادامه از سیاست و اجتماعی که بیگانه و ظالم در آن حکم می‌کند و فضل و هنر و تقوا در آن هیچ ارج و ارزشی ندارد انتقاد می‌کند و علیه آن عصیان می‌ورزد:

«در آن وطن، که قدرت بیگانه حاکم است / رو خار ره مشو که چو گل پرپر کند

عیار باش و دزد و زمین خوار و زن به مزد / تا برتر از سپهد و سر لشکرت کنند» (همان: ۲۶-۲۷)





September 18, 2023

Tbilisi - Georgia

در شعر «آواره» به سیاست‌های حاکم و عوام‌فریبی‌های آن لب به اعتراض می‌گشاید. مسائلی همچون «جشن هنر» سفارشی که در دوران پهلوی به عنوان یک فعالیت فرهنگی برپا می‌شد از نظر توکلی فریبی بیش نبود که از راه غارت نفت برگزار می‌شده است. به یغما رفتن نفت، از بین بردن آزادی و کزایی بودن مجلس از جمله مواردی است که توکلی علیه آنها عصیان می‌کند و لب به سخن می‌گشاید (همان: ۸۰-۸۱). در شعرهای «سلیمان» و «فردای انقلاب» از مجموعه‌ی «رها» نیز این مضامین قابل بررسی و مطالعه است. بسیاری از شعرهای رمانتیک توکلی در توصیف وضعیت جامعه، ظلم و ستم حاکم بر آن و تبیین علت و عوامل بدبختی و عقب ماندگی اجتماع و ملت است. (ر.ک: توکلی، ۱۳۴۱: ۷۰-۱۴۳، ۱۴۵، ۲۰۸، ۱۳۶۹: ۸۴، ۹۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۳۷۶: ۲۹۴-۲۹۶)

هرچند رویکرد اعتراضی و انتقادی مطران در رمانتیسیم اجتماعی و معمولاً غیر مستقیم و با بهره‌گیری از داستان‌های تاریخی و نمادین است اما او در شعری با عنوان «مقاطع» که در سال ۱۹۰۹ به مناسبت قوانین محدود کننده‌ی مطبوعات سروده به طور مستقیم و بی‌پروا علیه ظلم و جوریکه سیاست حاکم بر آزادگان، اهل قلم و اندیشمندان روا می‌دارد عصیان می‌کند و بر آن است که این بیدادگری‌ها بی‌اثر و بی‌نتیجه است:

«شَرِّدُوا أَحْيَارَهَا بَحْرًا وَ بَرًّا      وَ أَقْتَلُوا أَحْرَارَهَا حُرًّا فَحُرًّا...»

كَسِّرُوا الْأَقْلَامَ هَلْ تَكْسِرُهَا      يَمْنَعُ الْأَيْدِي أَنْ تَنْقُشَ صَخْرًا؟

فَقَطِّعُوا الْأَيْدِيَّ هَلْ تَقْطِيعُهَا      يَمْنَعُ الْأَعْيُنَ أَنْ تَنْظُرَ سِزْرًا؟...»

أَخْمِدُوا الْأَنْفَاسَ هَذَا جُهْدُكُمْ      وَبِهِ مَنَجَاتُنَا مِنْكُمْ ... فَشُكْرًا! (مطران، ۱۹۷۷: ۲/۱۴۰)

(نخبگان میهن را در دریاها و بیابان‌ها فراری دهید، و آزادگان آن را یکی پس از دیگری بکشید.../قلم‌ها را بشکنید آیا شکستن آنها مانع دست‌ها می‌گردد تا بر سنگ نقش بزنند؟/ دست‌ها را قطع کنید آیا قطع کردن آنها، مانع چشم‌ها می‌گردد که به خشم بنگرند؟.../ نفس‌ها را خفه کنید این تمام تلاش شماست، در این خفه کردن آزادی و رهایی ماست... پس از شما سپاسگزاریم)

«این ابیات که همچون تشدر گیاهان خشک منتشر شد باعث گردید شاعر به تبعید از مصر تهدید شود» (جحا، ۱۹۸۱: ۱۵۷). مطران در شعر «تهدید بالنفی»

به طور صریح از ایستادگی خود در برابر تهدید و ظلم پرده برداشت (همان: ۲۸۱/۱) و در شعر دیگری با عنوان «صرخه‌ی نائر» علیه شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه عصیان کرد. او علاوه بر اینکه به غفلت و بی‌خبری جامعه انتقاد می‌کند از قهرمانان وطن می‌خواهد به پاخیزند و برای از بین بردن دشمنان و بازگرداندن آرزوهای از بین رفته، شمشیرها را از غلاف بیرون بکشند:

«نَصَالُ مَلَّتِ الْأَجْفَانَ / وَ نَوْمٌ أَتَعَبَ الْأَجْفَانَ / فَهَبُوا أَيُّهَا الْأَبْطَالُ / وَسَلُّوْهَا مِنْ الْأَعْمَادِ /

سَيُوفًا تُبْرِيءُ الْأَحْقَادَ / وَ تُحْيِي مَيِّتَ الْأَمَالِ» (همان: ۵۴۴/۲)

(شمشیرها از خوابیدن در غلاف‌ها خسته شده‌اند، و خواب‌ها، پلک‌ها را خسته کرده است ای



قهرمانان به پا خیزید/ و شمشیرها را از غلاف بیرون بکشید، شمشیرهایی که دشمنی‌ها و کینه‌ها را از بین می‌برد/ و آمل و آرزوهای مرده و از بین رفته را دوباره باز می‌گرداند)

### ۳-۵- دعوت به بیداری

شاعر رمانتیک در جریان رمانتیسیم اجتماعی، علاوه بر اینکه خود نسبت به مسائل گوناگون در جامعه حساسیت نشان می‌دهد مردم را نیز به بیداری، آگاهی و هوشیاری دعوت می‌کند. تولگی در شعر «سلیمان» از دفتر «بازگشت» با استفاده از ضمیر جمع «ما» به عنوان ردیف شعر، از طریق بیان مصیبت‌هایی که بر جامعه رفته است مردم را به بیداری دعوت می‌کند. او در این شعر از حیل‌ها و جفایی که در حق او و هم‌میهنان می‌شود یاد می‌کند:

«وای ارزند به کيفر این خواب بی حساب	دست زمانه سیلی دیگر به گوش ما
این خطه خاک تست، زدست اندرش مده	یعنی به دست خواجه‌ی میهن فروش ما
ما همچو موریانه پنهان در عصا شدید	تا بنگری سقوط سلیمان ز جوش ما» (تولگی، ۱۳۶۹: ۹۳)

در شعر «شکنج مسیح» مردم را متوجه دشمنانی می‌کند که «خانه زاد» هستند و کمر به نابودی مردم بسته‌اند و از این طریق مردم را به بیداری و تحریک علیه ظلم و جور سوق می‌دهد (همان: ۹۶). در بسیاری از اشعار تولگیبه و پژوهدر مجموعه‌های «بازگشت» و «کابوس» به اشعاری با مضامین اجتماعی و سیاسی روبه‌رو می‌شویم که شاعر با سرودن آنها قصد بیداری ملت و تحریک آن به سوی آگاهی، هشیاری و در نهایت، مقابله با ظلم و جور دارد.

دعوت به بیداری و برانگیختن جامعه به سوی آن در میان رمانتیک‌های عرب جایگاه ویژه‌ای دارد «و از جنبه‌ی انقلاب و به پاخاستن علیه استعمار، رمانتیک‌های عرب، ملت‌ها را به بیداری از خواب و غفلت نسبت به فرهنگ و تمدن خود دعوت کردند و آنها را به رهایی از عقب ماندگی در تمام زمینه‌ها برانگیختند» (الفرفوری، ۱۹۸۸: ۱۷۴). خلیل مطران نیز در جای جای دیوان خود با استفاده از زمینه‌های مختلف روایی، داستانی و تاریخی، ملت و مردم را به بیداری و آگاهی دعوت می‌کند و آنها را از خمودی و منفعل بودن بر حذر می‌دارد. مطران در این نوع اشعار معمولاً لحنی حماسی به خود می‌گیرد تا اثرگذاری کلام خود را بیشتر کند:

«كَيْفَ تَحْيَا أُمَّةً هَالَتْهُمْ	شَقَّةُ الْمَجْدِ فَذَلُّوا وَاسْتَمَاتُوا
كَيْفَ يَقْوَى مَعْشَرٌ عَدَّتْهُمْ	هَزْلُهُمْ، وَالْمَشْرِفَاتُ، النَّكَاتُ؟ ...
فَارْفَعِ الصَّوْتِ وَأَيِّقِظْهُمْ فَقَدْ	طَالَ عَهْدُهُمْ هَذَا السُّبَاتُ
مَا لِمَصْبَرٍ شِبْهَ قَبْرِ وَاسِعٍ	مُنْدُ فِرْعَوْنَ، وَمَنْ فِيهَا رُقَاتُ؟» (مطران، ۱۹۷۷: ۱/۲۶۶)



September 18, 2023

Tbilisi - Georgia

(چگونه امتی برقرار و زنده باقی می ماند وقتی سختی عظمت و بزرگواری، آن را به هراس می اندازد، پس خوارگشتند و نابود شدند/ چگونه گروهی که توان آنها و امکاناتشان شوخی و هزل است و سلاح آنها لطیفه های آنهاست، قدرت و قوت می گیرند؟.../ پس صدا را بلند کن و بیدارشان گردان، چرا که به درازا کشید زمانی که آنها در خوابند/ مصر را چه شده که از زمان فرعون، همچون قبر بزرگی است و هر که در آن است در خواب به سر می برد؟)

مطران در شعر «الهلل الاحمر» پس از ستایش قهرمانان و مبارزان میهن، ملت را به طور مستقیم به بیداری و آگاهی هر چه تمام دعوت می کند (همان: ۱۷۰/۲). رمانتیک های شعر معاصر عرب به گفته های بیدار کننده با مخاطبان و انگشت نهادن بر موضوع درد اکتفا نکردند بلکه به آنها درمانی دادند که در روی آوردن به علم و معرفت بود و برای مردم، انقلاب و بهیچاستغلیه عقب ماندگی های همچون جهل و بی- بصیرتی را ممکن می کرد (الفروری، ۱۹۸: ۱۷۴). مطران علماً آموزی، مشارکت در امور، همدلی و اتحاد را از راهکارهای خود می داند:

و تَكْسِبُونَ رَفْعَهُ وَحَمْدًا  
وَتَغْنُمُونَ الْعَيْشَ طَلْقًا رَغْدًا» (همان: ۲۹۳/۱-۲۹۴)

«ای امت من، با علم است که به بلندی ها صعود می کنید و تعالی و ستودن را کسب می- کنید/ و با اتحاد و یکدلی به اهداف خود می رسید و زندگانی آزاد و آرامی را به دست می آورید»

برای مطالعه ی بیشتر می توان به این صفحات از دیوان او مراجعه کرد: (مطران، ۱۹۷: ۱۳۱/۳-۱۳۳، ۱۳۵/۳-۱۳۷).

#### ۴-۵- آرمان گرایی

رویکرد کلی رمانتیسیم، رویکردی آرمانی به مسائل گوناگون است و رمانتیک ها به دنبال آرمان ها و آرزوهایی هستند که در عالم واقع با آن فاصله دارند. رمانتیک ها در این مؤلفه از رمانتیسیم، افق روشن آینده را نیز برای جوامع ترسیم می نمودند و مردم را برای رسیدن به آن دعوت می کردند.

تولگی در شعر معروف «فردای انقلاب» که مثال بارزی از جریان رمانتیسیم اجتماعی است با ریتم سریع و برانگیزاننده ای علاوه بر اینکه به طور غیرمستقیم در مخاطب شور و شوق به پا خاستن ایجاد می کند در پایان شعر، آرمان و آرزوی خود را برای فرزندش و «صدچو او» که همان مردم و ملت جامعه هستند بیان می کند:

«فردای انقلاب، بر صحن کارزار / نیمای من مرا، می جوید اشکبار / من مرده ام ولی، شادم که صد چو او / شادند و کامکار» (تولگی، ۱۳۳۳: ۷۶)



تولگی در شعر «کودکان ما» برای بیان احساسات خود نسبت به فرزندان، با نگاهی آرمانی و روشن بینانه به این مسأله پرداخته است و در بخشی از شعر، آینده را با وجود فرزندان، همراه سعادت و افتخار می داند:

«فردا که افتخار و سعادت از آن ماست / مخلوق کار و کوشش نو باوگان ماست

اینان شکوفه های امیدند و بی امید / تاریخ تر زودود سیه، دودمان ماست» (همان، ۱۳۴۱: ۲۱۱)

در شعر مطران نیز با نوعی آرمان گرایی روبه رو هستیم. مطران خطاب به مردم آزاده ی مصر از آنها می خواهد پیروزی و آینده ی روشن را دنبال کنند و به بزرگی و تعالی دست یابند (مطران، ۱۹۷۷: ۲۰/۲). مفاخرات شاعر به گذشته و تاریخ پرافتخار مصر و همچنین آرمان گرایی های او در شعر دیگری نیز باعث ایجاد حرکت و نوعی انگیزش در جامعه می گردد (همان: ۲۱۴/۳).

بینش آرمانی مطران را در شعری که به یاد «عمر مختار» (۱۹۳۱-۱۸۶۲) مبارز مشهور و رهبر جنبش مقاومت مردم در لیبی سروده می - بینیم. مطران در بخشی از شعر با بیانی آرمانی، مرگ و فدا شدن در راه وطن را چیزی جز زندگی و عدالت واقعی نمی داند. او با تعابیری که به قصد بر انگیزتن مخاطب صورت گرفته چنین مرگی را افتخار همیشگی و جاودان می داند:

«ما المَوْتُ إِنْ تَكُ مَنجَاةَ الْبِلَادِ بِهِ / مِنْ غَاصِبٍ وَانْتِصَافُ الشَّعْبِ مَهْضُومًا  
هَذَا هُوَ الْعَيْشُ وَالْقِسْطُ الْعَظِيمُ بِهِ / مِنْ خَالِدِ الْفَخْرِ فَوْقَ الْعُمَرِ تَقْوِيمًا  
إِنَّ الْفِدَاءَ لَأَغْلَى مَا حَمِدْتَ لَهُ / أَخْرَى وَإِنْ كَانَ فِي أَوْلَاهُ مَذْمُومًا» (همان: ۱۰)

(چنانچه مرگ در راه نجات وطن از دست غاصبی و یا عدل و دادخواهی برای مردمی ستم دیده باشد/

همین خود زندگی واقعی است و عدالت بسیار است که افتخاری جاودان و فراتر از تقویم عمر

در آن است/ به راستی که فداکاری ارزشمندتر از ستایشی است که در نهایت برای آن ستوده شدی،

هر چند در ابتدا مذموم بوده ای)

خلیل مطران در قسمتی از شعر دیگری با عنوان «رأس السنة الهجرية» جوانان مصر را مورد خطاب قرار می دهد. او به آرمان هایی اشاره می کند که با واقعیت فاصله دارد آرمان هایی همچون تعالی و رفعت شرق و همدلی و همزیستی مسالمت آمیز آنا غرب بدون هیچ حيله و حسدی:

«وَالشَّرْقُ وَالْغَرْبُ مَعَوَانَانِ قَدْ خَلَصَا / مِنْ حَاسِدٍ كَانِدٍ كَيْدًا لِمَحْسُودِ  
صِنَوَانِ بَرَّانِ فِي عِلْمٍ وَفِي عَمَلٍ / حُرَّانِ مِنْ كُلِّ تَقْيِيدٍ وَتَعْيِيدِ  
لَا فِعْلٌ يُخْطِئُ فِيهِ الْخَيْرُ بَعْضُهُمَا / إِلَّا تَدَارَكَهُ الثَّانِي بِتَسْدِيدِ  
وَلَا خُصُومَةٌ إِلَّا فِي اسْتِبَاقِهِمَا / لِمَا يَعْمُ بِنَفْعِ كُلِّ مَوْجُودِ  
هَذِي الثَّمَارُ الَّتِي يَرْجُو الْأَنَامُ لَهَا / مِنْ رَوْضِكُمْ كُلِّ نَامِ نَاضِرِ الْعُودِ» (همان: ۳۰۲/۱-۳۰۳)



(در حالی که شرق و غرب یاور یکدیگرند که از حسد حيله گر و حيله ی حسود نجات یافته اند / همچون دو برادر نیک در علم و عمل هستند و از هر قید و بندگی آزادند / هیچ کاری نیست که در آن خیر و نیکی از سوی برخی مورد خطا واقع شود؛ مگر اینکه دیگری آن را به شکل صحیح و شایسته، تدبیر و اصلاح می کند / و هیچ خصومتی بین آنها (شرق و غرب) نیست مگر در رقابت آنها برای آنچه که نفع و خیر آن به عموم موجودات می رسد / این نتیجه و ثمره ای است که تمام مردم از باغ وجود شما که شکوفا و در حال رشد است آرزو دارد)

### ۵-۵-۵- ملی گرایی

ناسیونالیسم، یادوطن، یاد رشادت ها و مفاخرت های ملی و قومی از شاخصه های برجسته ی رمانتیسم اجتماعی است. رمانتیک ها به ویژه آن دسته از شاعران و نویسندگان که از وطن اصلی فاصله گرفتند گرایش بیشتر و احساسی تری به ناسیونالیسم داشتند. توجه به مصائب ملی و قومی خود، یاد نقاط قوت و تاریخ درخشان ملت و قوم کشور، دیدن وضعیت اسفناک و ناگوار کنونی و مقایسه ی آن با کشورهای پیشرفته و توسعه یافته از مسائلی است که رمانتیک ها به آن توجه داشتند. به طور کلی رمانتیسم و ناسیونالیسم پیوندی تنگاتنگ و ناگسستی با هم دارند (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۶). تولگی در این زمینه اشعار نغزی با رویکرد به تاریخ کهن و پادشاهان گذشته ی ایران سروده است؛ او در شعر «فرزند داریوش» گرایش های ملی و قومی خود را نشان می دهد:

«بر موج برق پویه، دمامد یکی غریو  
از کوچه تا سراچه کشد بر سرم خروش  
کای نیکبخت، گربه خطامی روی بدان  
پیوند اردشیری و فرزند داریوش  
بر سرفرازیات نه همین بیستون گواست  
بر تخت جم ننگه کن و آن کاخ پر نقوش» (تولگی، ۱۳۶۹: ۱۳۵)

ملی گرایی و ناسیونالیسم تولگی را در انتقادهای طنز و جدی او در دو مجموعه ی نظم و نثر «التفاصيل» و «کاروان» نیز می توان جستجو کرد. ملی گرایی و ناسیونالیسم خلیل مطران - بر خلاف تولگی که همیشه در وطن زیست - غالباً به دلیل مهاجرت های اجباری و دوری او از وطن و درگیری شاعر با حاکمان بیگانه و استعمارگران، نمود بارز و بیشتری در شعر دارد. شاعر در پایان شعری با عنوان «وداع و سلام» اوج عشق و علاقه و ایثارگری خود و هموطنانش را برای وطن نشان داده و با بیانی سرشار از احساس اینگونه از وطن یاد کرده است:

«يَا وَطَنًا نَفَدِيهِ بِالِدِّمَاءِ / وَالْأَنْفُسِ الصَّالِقَةِ الْوَلَاءِ / مَا أَسْعَدَ الظَّافِرَ بِاللِّقَاءِ / وَالقُرْبَ بَعْدَ الْهَجْرِ وَالْجَلَاءِ /  
إِنْ أَكْبُ بَأَكْبَاءٍ مِنَ السَّرَّاءِ / فَإِنَّ طَوْلَ الشُّوقِ فِي التَّنَائِي / أَلْفَ بَيْنَ الْعَيْنِ وَالْبُكَاءِ» (مطران، ۱۹۷۷: ۴۲/۱)



ای میهنی که با خون‌هایمان فدایش می‌شویم، و با جان‌هایی که عشق و علاقه‌ی آنها راستین است / چه سعادت‌مند و خوشحال است آنکه بعد از دوری و هجران به دیدار و همجواری رسیده است / اگر من از شادی و خوشحالی گریه کنم همانا که کثرت شوق در دوری / بین چشم و گریه را پیوند داده است.

مفاخرت‌های قومی، رشادت‌ها، ظفرمندی‌ها و دلاوری‌های ملی و میهنی از موارد مهمی است که شاعر را به یاد وطن و میهن می‌اندازد (همان: ۱۷۲/۲). مطران در سال ۱۹۲۲ و به دنبال ممانعت از ورود او به لبنان، شعر «تشوق الی لبنان» را می‌سراید که در آن ارتباط تنگاتنگ ناسیونالیسم و رمانتیسم را می‌بینیم:

«لَبْنَانُ مَا زَالَتْ سَمَاوُكَ مَطْلَعًا  
هَذِي إِلَيْكَ تَحِيَّةٌ مِنْ شَيْقٍ  
لِلْفَرَقْدِ اللَّمَّاحِ بَعْدَ الْفِرْقَدِ  
قَدْ بَانَ عَنكَ وَ هُوَ كَمُبْعَدٍ» (همان: ۱/۳۶۵)

ای لبنان، آسمان تو همواره محل طلوع پی در پی ستارگان درخشان است / این سلام یک مشتاق است که به اطاعت از تو دور شده در حالی که او همچون تبعیدی است

ملی‌گرایی مطران در شعر رمانتیک او در زمینه‌ای از وصف زیبایی‌های طبیعت وطن و مناظر بکر آن، یاد رشادت‌ها و مفاخرت‌ها و تاریخ کهن و درخشان میهن و همچنین در ذکر نام و یاد قهرمانان و بزرگان قوم عرب نمود می‌یابد. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه از اشعار مطران می‌توان به این صفحات از دیوان او مراجعه کرد: (مطران، ۱۹۷۷: ۱/۲۷، ۱/۲۶۵-۲۶۶، ۱/۲۸۹-۲۹۰، ۱/۳۳۵-۳۳۶، ۱/۳۳۸، ۱/۳۳۹، ۱/۳۴۰، ۱/۳۶۵، ۱/۴۳۶، ۱/۴۶۸، ۱/۱۹۲، ۲/۴۶، ۲/۷۳-۷۴، ۲/۱۶۹-۱۶۸، ۳/۸-۱۰، ۳/۳۳۷)

## ۶-۵- قهرمان ستایی

شاعران رمانتیک، بخشی از آمال و آرزوهای خود و جامعه را در شخصیت قهرمانان مجسم می‌کردند و در واقع، قهرمان در شعر رمانتیک به یک نجات‌دهنده‌ی قابل ستایش تبدیل می‌شود.

قهرمان شعر در آثار رمانتیک از میان تاریخ، اسطوره و افسانه‌ها سربرمی‌آورد و گاه فردی خیالی است که آرمان و آرزوهای او و حتی شکست و غم و اندوهش موجب تأثیرگذاری بر مخاطب می‌گردد. توللی در شعر «سوگند» از مصدق به عنوان یک قهرمان یاد می‌کند و شخصیت سیاسی و اجتماعی او را به عنوان یک قهرمان تاریخی و جاودانه مطرح می‌کند:

«ز حکم محکمه، قدر تو بر فزود و به دهر / به داوران تو جز ننگ جاودانه نماند! / «دفاع گرم تو» پرتوفشان به ظلمت شرق / چنان گرفت که دامی به زیر دانه نماند!» (توللی، ۱۳۸۰: ۳۹۸-۳۹۹)



تولگی در شعر «سنگ دشمن» خود به شکل یک قهرمان ظاهر می‌شود که بلند همتی، کمال‌گرایی، آزادی‌گری و آرمان‌گرایی را به عنوان قهرمان رمانتیک در او مشاهده می‌کنیم (همان، ۱۳۶۹: ۱۱۸). در شعر «محکمه» جوان مبارزی به عنوان یکی از قهرمانان جامعه مطرح شده است که سخنانش، سخنان یک نجات‌دهنده و رهایی‌بخش ملت است:

«گفت: «منم دست انتقام الهی» / گفت: «منم خشم بی لگام خروشان» / گفت: «منم چشم انتظار اسیران» / گفت: «منم بانگ اعتراض خموشان» (همان، ۱۳۸۰: ۴۲۰ - ۴۲۱)

قهرمان در شعر رمانتیک خلیل مطران علاوه بر آنکه از شخصیت‌های تاریخی، سیاسی و اسطوره‌ای گرفته می‌شود گاه برگرفته از یک حادثه یا تجربه‌ی اجتماعی است. در شعر او گاهی بخشی از مبارزان و روشنفکران تبدیل به قهرمانان می‌گردند علاوه بر این مطران در گرایش خود به قهرمان ستایی از شخصیت‌های جهانی و فراتر از شخصیت‌های جهان عرب بهره برده است. در شعر «الکشاف» قهرمان شعر شخصیتی حقیقی است که بر اساس حادثه‌ای واقعی، جان خود را برای نجات یک کودک از دست می‌دهد (مطران، ۱۹۷۷: ۱۹۶/۱).

مطران، تحت تأثیر اندیشه‌های انقلاب فرانسه و آشنایی با ادبیات رمانتیک آن از شخصیت‌های تاریخی و سیاسی بزرگ آن سامان از قبیل «ناپلئون» همچون یک قهرمان یاد می‌کند (جحا، ۱۹۸۱: ۱۴۷). اصولاً ناپلئون یکی از شخصیت‌های قهرمان نزد بسیاری از شاعران و نویسندگان رمانتیک در جهان به ویژه در ادبیات غرب به شمار می‌رود (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۴). ستایش او را به عنوان یک قهرمان در شعر «۱۸۰۶-۱۸۷۰» از مطران می‌بینیم:

عَلَّمَ عَلَى عَلَمِ الزَّعَامَةِ بَادٍ وَالنَّصْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْمَنْقَادِ وَطَلَانِعُ الْعُقْبَانِ فِي تَرْدَادِ (مطران، ۱۹۷۷: ۳۴۴/۱)	«وَكَانَ نَابِلْيُونًا فِي إِشْرَافِهِ الْمَجْدُ رَهْنُ إِشَارَةِ بَيْمِينِهِ وَالْفَخْرُ فِي رَايَاتِهِ مُتَمَثِّلٌ»
--	---

(و گویی که ناپلئون در سروری خود همچون بیرقی است که بر کوه ریاست و فرماندهی نمایان شده است / شکوه و بزرگی در گرو اشاره‌ی دست او می‌باشد و پیروزی در دستانش همچون فرمانبراست / افتخار در بیرق و پرچم او نمودار است و نشانه‌ی عاقبت کارها در تکرار و رفت و آمد بسیار است).

مبارزان و فعالان اجتماعی و سیاسی عرب نیز در شعر مطران به قهرمانانی تبدیل شده‌اند که شاعر در ستایش دلاوری‌ها و رشادت‌ها و پایمردی‌هایشان به عنوان نمایندگان ملت، شعر سروده است. «بدون شک یک رمانتیک عرب، همراه با حرکت‌های آزادی بخش ملی در اغلب کشورهای عربی از شور و حماسه‌ای برخوردار بود که بیداری و بصیرت او را نسبت به مسئله‌ی استعمار بیشتر کرد و به حساسیت او افزود. این شور و احساس به طور مثال در شعرها و سروده‌های بعضی از رمانتیک‌های عرب برای مبارزان ملی که ریاست مبارزه‌ی ملت خود



را به عهده داشتند ظهور کرد نظیر آنچه مطران در قصیده‌ی «فرید فی السجن» انجام داد» (الفرفوری، ۱۹۸۸: ۱۷۴). او متأثر از فعالیت‌ها و اندیشه‌های سیاسی و حزبی در شعرهای متعددی از جمله شعر «فرید فی السجن» از رئیس حزب ملی به عنوان یک قهرمان یاد کرده است (مطران، ۱۹۷۷: ۴۱/۲) و نیز (ر.ک: ۴۰۸/۱، ۴۶۵/۱، ۴۱/۲، ۴۳/۲، ۶/۳، ۸-۲۸/۳، ۵۰۷/۳-۵۰۸)

### ۵-۷- همراهی با غم و اندوه جامعه و دفاع از محرومان و مظلومان

رماتیک‌های اجتماعی در فراز و فرود مختلف جامعه و تحولات اجتماعی نیز با غم و اندوه حاکم بر مردم، همراهی و همدلی داشتند و از محرومان و مظلومان که در واقع، قربانیان جامعه بودند حمایت می‌کردند. آنچه تولگی متأثر از جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه در شعر خود بروز می‌دهد و حتی درباره‌ی خود می‌سراید بیشتر یک من اجتماعی است و شاعر به عنوان نماینده‌ی آحاد جامعه، حال و روز غمزده و اندوهبار آنان را در خود نشان می‌دهد. آثاری که تولگی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همراه با یاس و تیرگی و گرایش به افیون و لذت‌های جسمانی در شعر دارد در واقع همان چیزی است که در اجتماع جاری است و شاعر یکی از نمایندگان این اجتماع است. او در «عفریت خاموشی» خود را با جامعه و غم و اندوه آن همراه می‌کند:

«عفریت خاموشی نگذارد که دم زنیم خرم دمی که سینه به موج عدم زنیم

طاقت کم است و قوت بیداد شحنه بیش دیگر دلی نمانده که بر بیش و کم زنیم (تولگی، ۱۳۶۹: ۱۸۷)

«نافه» که در واقع دومین مجموعه‌ی شعری تولگی است از فضای یاس آمیز و اندوهگین پس از کودتا سرشار است. شعر «سرنوشت» نمونه‌ای از همراهی و همدلی شاعر با اوضاع جامعه و انعکاس احوال آن است:

«مرا به گریه چه می‌جویی؟! / مرا به ناله چه می‌خوانی؟! / امید خسته فرو مرده است / درین شبانگه توفانی / به کینه اهرمن از هر سوی / گشوده دست تباهی را / زعرش غرقه به خون، بر خاک / فکنده نعش الهی را» (همان، ۱۳۴۱: ۶۹ - ۷۰)

خلیل مطران، اغلب با بینشی وسیع و گسترده در انعکاس غم و اندوه جامعه، کلیت جامعه‌ی بشری را در نظر دارد. بلا یایی همچون جنگ، فقر و بی‌فرهنگی در شعر مطران غالباً محدوده‌ای فراجغرافیایی دارد و به نوعی درد مشترک تمام انسان‌هایی است که آن را تجربه می‌کنند. از جمله مسائلی که مطران نسبت به آن حساسیت نشان داده و در شعر خود منعکس کرده است بحران جنگ و مصیبت‌های ناشی از آن به شمار می‌رود او با نگاهی انسانی و بشر دوستانه به این مسأله می‌پردازد:

«حَرْبٌ وَ هَدَىٰ بَعْدَهَا حَرْبٌ لَا يَنْتَهِي فِي الْعَالَمِ الْكَرْبُ

قَدْ عَادَ أَدْنَىٰ مَا تُحَادِرُهُ فِي الْمُلْكَاتِ، الطَّعْنُ وَ الطَّرْبُ

یا کیت شعری ما یگون غداً مِنْ حَالِ هَذَا الْخَلْقِ يَا رَبُّ» (مطران، ۱۹۷۷: ۱۹۱/۱)

(جنگ است و بعد از این نیز جنگ است؛ در جهان، غم و اندوه پایان نمی‌پذیرد/ بدترین چیزی که





در مصیبت‌ها و بلاها از آن بر حذر بودیم بازگشت، که همانا جنگ و ستیزاست / خدایا، کاش می‌دانستم حال و روز این مردم، فردا چگونه خواهد بود)

مظلومان و قربانیان جامعه از کسانی هستند که مطران در شعر خود به دفاع از آنان می‌پردازد. این قربانیان که بخش اعظم آنها زنان و کودکان هستند بخش قابل توجهی از عناصر شعری مطران در حوزه‌ی رمانتیسیم اجتماعی را تشکیل می‌دهند «مطران به دلیل حساسیت بسیار و علاقه‌ای که به همدردی و همدلی با دیگران در مصیبت‌هایشان داشت درد و رنج آنان را به شعر می‌سرود و در رنج آنها همدردی می‌کرد تا حدی که از یک اتفاق و حادثه‌ی ساده، موضوعی رمانتیک و عالی به وجود می‌آورد» (جحا، ۱۹۸۱: ۱۱۴). شعر «الطفلة البویریة» حکایت دختر بچه‌ای است که مطران از او به عنوان یکی از قربانیان جنگ حمایت می‌کند و به همدردی با او می‌پردازد:

«ما ذنبُ هَذِي الْفَتَاةُ تَعْدُو  
سَيِّئَةُ الظُّلْمِ الشَّرَّارِ؟  
أَمِنْ سَرِيرِ الصَّعَّارِ تُلَقَى  
إِلَى سَرِيرِ الصَّعَّارِ؟» (همان: ۱۱/۲ - ۱۲)

(گناه این دختر بچه چیست که صبح را با زندانی و اسیر شدن در دست ظلم و ظالمان شروع می‌کند؟ / آیا از تخت کودکان به سوی تخت خواری و ذلت انداخته‌می‌شود؟)

قهرمانان و جوانان عاشق در قصیده‌ی «المنتحر» (۴۵۷/۳) در کنار زنان و کودکان در قصیده‌ی «الجنین الشهيد» (۴۱۲/۲) در زمره‌ی محرومان و مظلومان جامعه هستند که خلیل مطران به دفاع از آنان می‌پردازد. بخش قابل توجهی از اشعار رمانتیک او را این مسئله تشکیل می‌دهد. (ر.ک: ۱۸۴/۲ - ۱۸۹، ۲۱۶/۲ - ۲۲۰، ۲۸۲/۲ - ۲۸۷، ۲۹۱/۲، ۷۱/۳ - ۷۲، ۱۶۶/۳، ۲۳۸/۳، ۴۶۵/۳، ۴۶۷/۳ - ۴۶۸، ۵۰۷/۳ - ۵۰۸)

#### ۸-۵- پیوند معشوق فردی با معشوق اجتماعی

در رمانتیسیم اجتماعی، معشوق از جامعه و اجتماع جدا نیست. شاعران رمانتیک که گرایش‌های اجتماعی دارند معمولاً احساسات فردی و عاشقانه‌ی خود را در بستری از جامعه و تحولات اجتماع مطرح کرده‌اند. معشوق یا باعث پایمردی و شجاعت و ایستادگی بیشتر آنها در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی شده یا فردی بوده که با او به گفتگو و درد دل درباره‌ی مسائل و معضلات اجتماعی پرداخته‌اند. معشوق در شعر تولگی نمود بارز و برجسته‌ای دارد که در بسیاری از موارد پرداختن به آن در واقع پناه بردن به معشوق و گریز از واقعیت‌های ناگوار اجتماعی بوده است. معشوق در شعر تولگی تکیه‌گاهی است که شاعر با وجودش پشت گرم است. تولگی در شعر «مهین» که آن را به همسرش تقدیم کرده به همین مسأله اشاره دارد:

«با یاری‌ات ز کس نهراسم که در نبرد  
پشتم بود به سنگر پولاد ای مهین...  
با آنکه کشور زندگی‌ام از وجود تست  
در این جهان فتنه و بیدادای مهین» (تولگی، ۱۳۶۹: ۱۳۸)



تولگی اعتراف می کند هر چند درد، عشق و عشوهی زیارویان داشته اما عشق وطن، همواره برایش مسأله‌ی اصلی بوده است و در واقع جامعه و وطن، همیشه در کنار عشق‌ها و معشوقه‌های شخصی مطرح بوده است. او در شعر «قصه ی من» به همین مسأله اشاره دارد:

« تازه جوان بودم و جانم زنده به دمسازی یاران  
 غنچه‌ی سیراب سحر گاه سبزه‌ی نو خیز بهاران  
 گرچه مرا عشوه همی داد سنبل بس گیسوی پر پیچ  
 در دلم از مهر نکویان عشق وطن بود و دگر هیچ» (همان: ۳۰-۳۱)

تولگی در توصیف خود از معشوق و زیبا رویان، ارتباطی با اجتماع و مسائل جاری آن برقرار می کند. در بسیاری از اشعاری که با مضامین سیاسی سروده تصاویر او در واقع، نوعی گذر از معشوق به اجتماع است. در این شعر از دفتر «کابوس» چنین تشبیهات و تصاویری به وجود آورده و مسأله‌ی عشق و اجتماع را به هم پیوند زده است:

« گل پیکران چو چاک خوش سینه وا کنند جانم به «انقلاب سپید» آشنا کنند  
 فقر گدا به حشمت سلطان نمی رسد گر پرنیان تخت شه از بوریا کنند  
 گیسو فشانده بر سر دوشان به هر خرام بی نافه‌ها که همره پیک صبا کنند...» (همان، ۱۳۸۶: ۶۴)

در شعر رماتیک مطران، ارتباط زن و معشوق با اجتماع، ارتباطی سازنده، پویا و فعال است. معشوق مطران در اجتماع، تأثیر گذارتر و به نوعی یادآور وطن و میهن است تا حدی که شاعر به آن می بالد.

شاعر در شعر معروف «قلعه بلبک»، تذکار صبا» با دیدن ویرانه‌های به جامانده از «بلبک» به یاد دوران نوجوانی و دوست و معشوق آن دوران خود می افتد. در قسمت‌های پایانی شعر با اشاره به تمدن بزرگ «فنیقیه» و شکوه و عظمت بناها و آثار آن، برای عظمت بخشیدن به معشوق خود در مقایسه‌ای مضمیر، معشوق را برتری می بخشد:

«سَجِدُوا لِلَّذِي هُمْ صَعْوَةٌ لَتَمَامٍ، أَمْ مَطْمَعٌ فِي افْتِخَارٍ؟  
 بَعْدَ هَذَا أَعَايَةُ فُتْرَجِي أَنْتِ أَبْهَى يَا هِنْدُ مِنْ أَنْ تَعَارِي  
 نَظَرْتُ «هِنْدُ» حُسْنَهُنَّ فَغَارَتْ كَلُّ هَذِي الدُّمَى الَّتِي عَبَدُوهَا  
 لَكَ يَا رَبَّةَ الْجَمَالِ جَوَارِي» (مطران، ۱۹۷۷: ۲/۲۱۶)

(به آنچه خود ساخته اند سجده کردند سجده های بزرگداشت / بعد از این آیا هدف و مقصودی وجود دارد که رسیدن به آن آرزو شود؟ و آیا علاقه‌ای به افتخارات هست؟ / «هند» به زیبایی بت‌ها نگاه کرد و به آنها حسادت ورزید، ای هند، تو دل انگیزتر از آنی که به این خاطر بر آشویی / تمام این زشتی‌هایی که می پرستند



برای تو ای الهه‌ی زیبایی، کنیز و غلامند)

معشوق در شعر «رایه مصر بین حامله‌ی رایه و خطیبه» پا به پای عاشق در اجتماع به سرافرازی و سربلندی وطن و به اهتزاز در آوردن پرچم آن می‌اندیشد. در بخشی از شعر از زبان معشوقی که نسبت به عشق ورزی عاشق به وطن و پرچم آن حسادت می‌ورزد چنین می‌خوانیم:

هذه الرأیة التي ملكت قلبك      همی فی یقظتی و منامی  
فهی كل لحظة شغلک الشأ      غل رآد الضحی و تحت الظلام (همان: ۳/ ۲۶۴)

(این پرچمی که قلب تو را تسخیر کرده تمام هم و غم من در خواب و بیداری است /

و آن در تمام لحظه‌ها دلمشغولی و کارو بار تو است در اوج ظهر روشن و زیر تاریکی شب)

و آنچه در نهایت، عاشق به معشوق خود توصیه می‌کند و از وی می‌خواهد یاری کردن او در راه وطن و سرافرازی پرچم وطن است (همان: ۲۶۴-۲۶۵). در شعر «النساء التركیات یحملن رسائل الفدائیین» اوج حضور زن و معشوق را در اجتماع و درگیر شدن او با مسائل اجتماعی سیاسی جامعه می‌بینیم (همان: ۵۰۵-۵۰۶).

## ۹-۵-انزوا طلبی و گریز از اجتماع

تضاد میان واقعیت‌های اجتماعی با آرمانها و آرزوهای رمانتیک‌ها معمولاً زمینه‌ی نوعی سرخوردگی، یأس و در نتیجه انزوا و گریز آنها از اجتماع می‌شد. فضای ایجاد شده پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عامل مؤثری در انزوا طلبی‌های تولگی بود. در شعر «عید» گرایش به انزوا و گریز از اجتماع به وضوح می‌بینیم:

«چون بوم پر شکسته درین عید بی امید      شادم که آفریده نگیرد سراغ من

شادم که مرگ تیره درین شام سر مه فام      بیرون کشد دو چشم و دمد بر چراغ من» (تولگی، 1341:156)

شاعر در شعر «با که جوشم» دوری خود از دیگران را تحسین می‌کند و یاوری برای خود نمی‌بیند:

«آزمون‌ها کرده با خویشان و یاران تند خویم      با که جوشم؟ با که نوشم؟ با که خندم؟ با که گویم؟

ای که هر دم لاف دیگر میزنی در جانفشانی      من بدان شادم که چنگالت نیفشارد گلویم» (همان، 1376:226)

احساس تنهایی و شکست را در شعر «بی پناه» که در سال ۱۳۳۳ شمسی سروده شده نیز می‌بینیم (همان، 1341:169-170).

تولگی در شعر «گوشه‌گیر» نیز آشکارا انزوا طلبی و گریز خود از اجتماع را اعلام می‌کند (همان، 1369:223).

خلیل مطران در شعر معروف «الأسد الباکی» که آن را تحت تأثیر شکست اقتصادی خود در سال ۱۹۱۲ میلادی سروده علاوه بر این که از اجتماع و اطرافیان شکوه می‌کند گرایش انزوا طلبانه و دوری خود از مردم را نشان می‌دهد:

«إلی «عین شمس» قد لجأت و حاجتی      طلاقه جو کم یدنس بأرجاس



September 18, 2023

Tbilisi - Georgia

اُسْرَى هُمُومِي بَانْفِرَادِي اَمِنَا مَكَايِدَ وَاَشِ اَوْ نَمَائِمِ دَسَّاسِ (مطران، 1977: 167/2)

«به «عين شمس» پناه آورده ام و نیازم فضای پاک و آزادی است که آلوده به پلیدی ها نباشد/غم هایم را در تنهایی پنهان می دارم تا از حيله های هر غیبت کننده یا خبر چینی هر دسیسه گری در امان باشم) شاعر در قصیده ی «المساء» که آن را در حالت بیماری و اندوه سروده به شکل آشکار گرایش به طبیعت و گریز خود از جامعه را بیان می کند (همان: ۱۸/۱). او حتی با شنیدن فوت یک زوج جوان نیز به نوعی درون گرایی و انزواطلبی دچار می گردد (همان: 43/3-44). «العزلة فی الصحراء خیر من العیشة فی المدینة» عنوان گویای شعری است که مطران انزواطلبی خود را در آن اعلام می کند و صحرا و بیابان را به شهر و جامعه و مردمان آن ترجیح می دهد:

«تلك الحَضَارَةُ لِأَحَبِّ خَلْقِهَا وَأَرَى مَحَاسِنَهَا شَبَاكَ قُتُونٍ  
مَاذَا دَهَانِي فِي اخْتِبَارِي أَهْلَهَا مِنْ كِذْبِ آمَالِي وَصِدْقِ عُيُونِي؟» (همان: ۴۱۰)

(مردمان آن تمدن را دوست نمی دارم و خوبی هایش را دام فتنه ها می دانم /چه چیز مرا گرفتار مردمان آن تمدن کرده است، دروغ بودن آرزوهایم و حقیقت آنچه چشمانم می بیند؟)

### ۱۰-۵-نمادگرایی

«نماد گرایی کانون کل اندیشه ی رومانتیک است» (برلین، ۱۳۸۵: ۱۶۴). رمانتیک ها برای بیان باور و احساس خود نسبت به مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی از نوعی بیان نمادین بهره برده اند. ملاحظات و محدودیت های سیاسی و نظارت حاکمیت در گرایش به این نوع گفتمان شعری بی تأثیر نبوده است.

در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۳۲ خورشیدی که به تدریج «رمزگرایی اجتماعی» به وجود آمد و رشد کرد شاعران متعددی در آثار خود و بنا به اقتضای وقت به بیان نمادین روی آوردند. در شعر تولگی هم از نام شخصیت های تاریخی و اساطیری به شکل نمادین استفاده شده و هم عناصر طبیعت به این صورت به کار رفته است. تولگی در شعر «آواره» با بهره گیری نمادین از شخصیت هایی همچون «شداد»، «دارا»، «اسکندر» و «جام جم» توانسته افکار و احساسات خود را نسبت به مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی بیان کند:

«در این کویر تفته نشان قدم کجاست راهی که خواندم به حریم حرم کجاست

شداد و داد او نه گر این دوزخ است و بس پس آن بهشت دلکش باغ ارم کجاست

دارا به جز جمال خود از جام جم ندید اسکندری که بشکند این جام جم کجاست؟! (تولگی، ۱۳۶۹: ۸۰)

نمادگرایی در میان رمانتیک های اجتماعی، نوعی ابزار مبارزه به شمار می رود. تولگی در شعر «می سرخ» از شخصیت های تاریخی و اساطیری استفاده می کند و علاوه بر آن، عناصر طبیعت را نیز به شکلی نمادین به کار می گیرد. «باران سحر» و «لاله ی خونین» علاوه بر نام هایی همچون



«کاوه» و «ضحاک» در دوبیت اول شعر، همین کارکرد را دارند. (همان: ۸۴) شاعر در دو بیت پایانی شعر علاوه بر بهره‌گیری نمادین از «رستم» و «کاووس» موضوع سیاسی خود را به صراحت اعلام می‌کند.

جریان رمزگرایی شعر معاصر فارسی از جمله شعر نیما و «افسانه»‌ی او تأثیر قابل توجهی بر شعر فریدون تولگی به ویژه در دوره‌ی اول شاعری‌اش داشته است. فضای غم‌آلود و مهتاب‌گون شعر «مریم» که از ریتم و ضرباهنگی همچون «افسانه» برخوردار است سراسر، عناصر زیبا و دلکش طبیعت است که به شکلی ابهام‌آمیز، روند شعر را به پیش می‌برد. «مریم» تولگی نیز همچون «افسانه»‌ی نیما نوعی ویژگی سمبلیک و نمادین دارد که در بستری از منظره‌ها و تصاویر طبیعت وصف می‌شود:

«در نیمه‌های شامگهان، آن زمان که ماه/ زرد و شکسته، می‌دمد از طرف خاوران/ استاده در سیاهی شب  
مریم سپیدآرام و سرگران/ او مانده تا که از پس دندان‌های کوه/ مهتاب سرزند، کشد از چهر شب نقاب/  
بارد بر او فروغ و بشوید تن لطیف/ در نور ماهتاب...» (همان، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۵)

تولگی در شعر «غم پاییز» عناصری همچون «کلاغ خسته»، «باغ غمزده»، «زاغان دلفسرده»، «تندباد هرزه» و دیگر عناصر طبیعی را برای بیان مقصود خود که در واقع توصیفی از جامعه و اجتماع است به صورت نمادین به کار می‌برد (همان: ۲۴۵).

از برجسته‌ترین ابزارهای مبارزه‌ی سیاسی در شعر مطران استفاده‌ی نمادین و سمبلیک از نام شخصیت‌ها و عناصر گوناگون است. او با بهره‌گیری از ظرفیت داستان و روایت از شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای به عنوان نمادی برای مقابله و مبارزه با حاکمان و ظالمان دوران بهره می‌برد. «اغلب آنچه از انقلاب او شکلی نمادین به خود می‌گیرد هنگامی است که به تاریخ روی می‌آورد و ظلم طغیان‌گران و استبداد حاکمان و کشتارهای بیدادگران را روایت می‌کند.» (بلاطه، ۱۹۶۰: ۱۱۱۹) شعرهای معروفی همچون «نیرون»، «مقتل بزرجمهر»، و «السور الکبیر فی الصین» در این زمره‌اند که با اهداف و اغراض سیاسی سروده شده‌اند. شاعر در جای جای قصیده‌ی «نیرون» به شکلی نمادین از بیدادگری‌های «نیرون» علیه «روم» و مردم غفلت‌زده‌ی آن که در واقع همان حاکمان عثمانی و ملت عرب هستند یاد می‌کند:

«فازَ «نیرون» بأقصى ما انتهى مُحرقاً «روما» لِيَسْتَبْدِعَ فِكْرًا  
بَعْدَ أَنْ حَصَلَ فِي تَمَثِيلِهِ      ما بِهِ أَصْبَحَ فِي التَّمَثِيلِ شَهْرًا  
سُبَّتَ النَّارُ بِهَا لَيْلاً وَقَدْ      رَقَدَتِ أُمَّتُهَا وَسَنَى وَ سَكَرَى» (مطران، ۱۹۷۷: ۱۱۱/۲-۱۱۲)

«نیرون» با نهایت خواسته‌هایش به پیروزی رسید. «روم» را به آتش کشید تا بدعتی ایجاد کند/ بعد از اینکه هر آنچه در وجودش بود به نمایش گذاشت به مثالی عالمگیر تبدیل شد/ آتش شباهنگام در رم شعله‌ور گشت در حالی که مردم آن در خواب و مستی بودند)



قصیده‌ی معروف «مقتل بزرجمهر» نیز از شعرهای تاریخی و داستانی مطران است که در آن شخصیت‌های تاریخی، کارکردی نمادین دارند (همان: ۴۸۶-۴۸۹) مخاطب اصلی شاعر در این شعرها حکام ظالم و مردم مظلوم کشورهای عربی است «و مطران در تمام آن، طغیان استعمارگران و ظلم و دشمنی آنها را علیه مردم عرب به تصویر می‌کشد ولی او بر اساس عادت و شیوه‌اش به صورت آشکار بیان نمی‌کند بلکه از رمز و اشاره بهره می‌برد» (ضیف، ۱۹۵۹: ۱۴۰).

در شعر رمانتیک مطران، عناصر طبیعت و پدیده‌های آن نیز در بسیاری موارد کاربردی نمادین و سمبلیک دارند. مثال بارز این نوع از کاربرد عناصر طبیعت، قسمت‌هایی از شعری است که مطران در جوانی تحت تأثیر ادبیات فرانسه سروده و در آن جنگ میان «ناپلئون» و لشکر آلمان را در سال‌های میان ۱۸۰۶ و ۱۸۷۰ میلادی توصیف می‌کند و به تصویر می‌کشد. عناصر طبیعت در ابتدای شعر کارکردی نمادین دارند:

«مَشَّتِ الْجِبَالُ بِهِمْ وَسَالَ الْوَادِي  
و مَضَوْا مَهَادًا سَرْنَ فَوْقَ مِهَادِ  
يُحْدِي بِهِمْ مَطْوَعِينَ كَأَنَّهُمْ  
عِيسٌ وَلَكِنَّ الْفَنَاءَ الْحَادِي» (مطران، ۱۹۷۷: ۳۴۳/۱)

(کوه‌ها با آنان به راه افتاد و دشت جاری شد، و به زمین‌های هموار تبدیل شدند که بر زمین‌های هموار دیگر جاری شدند/ با اطاعت رانده می‌شدند گویی شترهایی هستند اما آنکه آنها را راه می‌برد فنا و نابودی است)

نمادگرایی در اشعار دیگر مطران نیز قابل توجه و تأمل است: (ر.ک: ۱۸/۱-۱۹، ۱۷۱/۲، ۳۱۲/۲، ۱۵۹/۳-۱۶۷، ۴۱۸/۳-۴۲۴)

### یافته‌های پژوهش

تجربه‌های گوناگون متفاوت و مشابه اجتماعی و سیاسی در زندگی فریدون تولگی و خلیل مطران، مؤلفه‌های مشابه و متفاوتی نیز از رمانتیسم اجتماعی در شعر آنها به وجود آورده است. هر دو شاعر، آزادی و رهایی را می‌ستایند و در اشعار خود به مبارزه و مقابله با ظلم و جور و استبداد می‌پردازند. مطران و تولگی در بخشی از آثار شعری خود با مظلومان و محرومان جامعه ابراز همدردی و همدلی دارند. آنها قهرمانان جامعه را می‌ستایند و در بعضی موارد قهرمانان را که در اصل مبارزان اجتماعی و سیاسی هستند به عنوان محرومان و مظلومان و در واقع به عنوان بخشی از قربانیان جامعه معرفی می‌کنند. رمانتیسم اجتماعی تولگی بیشتر تحت تأثیر فضای تیره و خفقان آور بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است اما رمانتیسم اجتماعی مطران بیش از هر چیز متأثر از جریان مهاجرت و عواطف و افکار ناشی از دوری او از وطن و سرزمین مادری است.

آنچه به عنوان تفاوت و نقطه‌ی افتراق رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون تولگی و خلیل مطران مطرح می‌شود و شعر آنها را در این زمینه‌ها یکدیگر متمایز می‌کند نحوه و شکل بیان مطلب و در واقع چگونگی ابراز افکار و احساسات و همچنین نوع موضع‌گیری هر کدام از آنان نسبت به شاخصه‌ی رمانتیسم اجتماعی است. فریدون تولگی در این مطالعه‌ی تطبیقی، عصیانی‌تر، انتقادی‌تر و با صراحت بیشتر می‌بینیم که این



مسأله نتیجه‌ی درگیر بودن مستقیم شاعر با مسائل و جریان‌های اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور است، اما مطران در بیان افکار و احساسات خود میانه رو و محافظه کار است. بهره‌گیری نمادین او از ظرفیت داستانی و تاریخی، عمیقاً ناشی از استراتژی محافظه کارانه‌ی او است. رمانتیسیم اجتماعی را در شعر فریدون تولگی به طور کلی تیره و تلخ می‌بینیم و اصولاً رمانتیسیم اجتماعی او به عنوان یکی از شاعران نسل شکست یا «نسل سوخته» از روشن بینی و آرمان‌گرایی کمتری برخوردار است در صورتی که آرمان‌گرایی، دیدن افق‌های روشن آینده و دعوت به آن در رمانتیسیم اجتماعی خلیل مطران نمود بیشتری دارد.

## منابع و مآخذ

### الف) کتاب‌ها

۱. ابوالشباب، واصف (۱۹۸۸). **القدیم و الجدید فی الشعر العربی الحدیث**، بیروت: دارالنهضة العربیة
۲. بابا چاهی، علی (۱۳۸۰). **این بانگ دلاویز**، چاپ اول، تهران: ثالث.
۳. برلین، آیزایا (۱۳۸۵). **ریشه‌های رمانتیسیم**، ترجمه‌ی عبدالله کوثری، تهران: ماهی.
۴. بنیس، محمد (۲۰۰۱). **الشعر العربی الحدیث** (بنیاته و ابدالاتها)، الطبعة الثانية، المغرب: دار توبقال للنشر.
۵. تبریزی شیرازی، محمدرضا (۱۳۷۶). **نقش فریدون تولگی در ادبیات سیاسی و اجتماعی دوران دیکتاتوری محمد رضا شاهی**، چاپ اول، تهران: آذین.
۶. تولگی، فریدون (۱۳۳۳). **رها**، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۱). **نافه**، چاپ اول، تهران: زندگی.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۵). **پویه**، چاپ اول، تهران: کانون تربیت شیراز.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۳). **شگرف**، چاپ اول، تهران: جاویدان.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). **بازگشت**، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). **شعله‌ی کبود** (منتخب پنج دفتر شعر)، چاپ دوم، تهران: سخن.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **کابوس**، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
۱۳. جحا، میثال (۱۹۸۱). **خلیل مطران** (با کوره‌ی تجدید فی الشعر العربی الحدیث)، الطبعة الاولى، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.



September 18, 2023

Tbilisi - Georgia

۱۴. جعفری، مسعود (۱۳۷۸). **سیرماتیسیم در اروپا، چاپ اول، تهران: مرکز.**
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). **سیرماتیسیم در ایران، چاپ دوم، تهران، مرکز.**
۱۶. الجیوسی، سلمی الخضراء (۲۰۰۱). **الاتجاهات و الحركات في الشعر العربي الحديث، ترجمه عبدالواحد لؤلؤه، الطبعة الاولى، بيروت: مرکز دراسات الواحدة العربية.**
۱۷. الحاوی، ایلیا (۱۹۸۸). **الرومنسیة (فیالشعر الغربی و العربی)، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالثقافة**
۱۸. ساجدی، طهمورث (۱۳۸۷). **از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.**
۱۹. سید حسینی، رضا (۱۳۸۷). **مکتب های ادبی، چاپ چهاردهم، تهران: نگاه.**
۲۰. شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۵۹). **ادوار شعر فارسی، تهران: توس.**
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). **صور خیال در شعر فارسی، چاپ ششم، تهران: آگاه.**
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). **شعر معاصر عرب، چاپ اول، تهران: سخن.**
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). **با چراغ و آینه، چاپ دوم، تهران: سخن.**
۲۴. شورل، ایو (۱۳۸۶). **ادبیات تطبیقی، ترجمه ی طهمورث ساجدی، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.**
۲۵. ضیف، شوقی (۱۹۵۹). **دراسات في الشعر العربي المعاصر، الطبعة الخامسة، القاهرة: دارالمعارف بمصر.**
۲۶. غنیمی هلال، محمد (۱۹۹۸). **الرومنتیکیة، الطبعة الثالثة، القاهرة: دارالنهضة بمصر.**
۲۷. الفاخوری، حنا (۱۳۸۷). **تاریخ الأدب العربی، چاپ پنجم، تهران: توس**
۲۸. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۵). **الجامع فی تاریخ الادب العربی (الادب الحديث)، بيروت: دارالجيل .**
۲۹. الفرفوری، فؤاد (۱۹۸۸). **اهم مظاهر الرومنطیقیة فی الأدب العربی الحديث، تونس: دارالعربیة لکتاب.**
۳۰. فورست، لیلیان (۱۳۸۷). **رمانتیسیم، ترجمه ی مسعود جعفری، چاپ پنجم، تهران: مرکز.**
۳۱. لنگرودی، شمس (۱۳۹۰). **تاریخ تحلیلی شعر نو، چاپ ششم، تهران: مرکز.**
۳۲. مطران، خلیل (۱۹۴۹). **دیوان، الطبعة الثانية، بيروت؛ دارمارون عبود.**
۳۳. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶). **واژه نامه هنر شاعری (فرهنگ تفضیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های قرآن) چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.**
۳۴. ندا، طه (۱۳۸۷). **ادبیات تطبیقی، ترجمه ی هادی نظری منظم، چاپ دوم، تهران: نی.**





۳۵. یوسف بلاطه، عیسی (۱۹۶۰). **الرومنطیقیة** (ومعالمها فی الشعر العربی الحدیث)، بیروت: دارالثقافة.

### ب) مقالات

۳۶. پاینده، حسین (۱۳۹۰). «ریشه های تاریخی و اجتماعی رمانتیسیم»، **ارغنون** (رمانتیسیم)، چاپ سوم، شماره ۲.

۳۷. پروینی، خلیل (۱۳۸۹). «نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی: گامی مهم در راستای آسیب زدایی از ادبیات تطبیقی»، **مجله انجمن ایرانی**

**زبان و ادبیات عربی**، شماره ۱۴.

۳۸. جمشیدآبادی، هوشنگ (۱۳۸۱). «نگاهی کوتاه به برخی شعرهای فریدون تولگی: چشم انداز تولگی، رمانتیسیم و اندوه غربت

«مجله ی ادبستان، شماره ی ۵۴.

۳۹. زرکوب، منصوره وزهرا سلیمانپور (۲۰۱۲). «خلیل مطران بین الشعرالتاریخی والنضال السیاسی»، **مجله العلوم الانسانیة الدولیه**، العدد

۱۹.

۴۰. سلیمی، علی و فاطمه سلیمی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی نماد «شیر» در شعر نیما یوشیج و خلیل مطران»، **نقد و ادبیات تطبیقی**،

شماره ۲.

۴۱. محمدی، علی و فاطمه کولیوند (۱۳۹۰). «بررسی تحول دید و سبک شعری سایه از رمانتیسیم فردی به رمانتیسیم اجتماعی»، **فصلنامه**

**ی تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)**، سال چهارم، شماره ۱.

۴۲. نوروزی داود خانی، نورالله (۱۳۹۱). «معانی، تصاویر و تعبیر مرگ در اشعار سهراب سپهری و فریدون تولگی»، **پژوهشنامه ادب**

**غنائی**، شماره ۱۸.

### پ) پایان نامه

۴۳. عبدالمجید فالح الضمور، یوسف (۲۰۱۱). «**صورة المرأة فی شعر خلیل مطران**»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مؤته.



## Social romanticism in Fereydoon Tavallali and Khalil Matran's poetry

Mahmood Heidari<sup>1</sup>, Emad Bahranipoor<sup>2</sup>

### Abstract

In contemporary Persian and Arabic poetry, Fereydoon Tavallali and Khali Matran are known as the vanguards and initiators and in addition to that, element of romanticism, and particularly social romanticism, are more prevalent and outstanding in their poetry. Environmental factors, political and social experiences, various studies, various cultural and literary activities, and historical and social conditions in which these two poets have developed, have led to enhancement of their orientation to romanticism. The present research based on Eastern Europe's school of comparative literature, has taken into account factors and formation of social romanticism in these two poets' poetry and then, reviews some of the most important components of social romanticism. Research findings indicate that Tavallali's social romanticism is influenced by the dark and suffocating atmosphere following the 1953 coup' in Iran but, Matran's social romanticism more than anything else, is affected by migration, emotions and thoughts stemming from being distant from country and motherland. Liberalism, fighting oppression and tyranny, empathy with the social disadvantaged, hero praising, nationalism and... are considered among both poets' common components, with the difference that Tavallali is more angry and explicit and Matran's poetry, using the story content, is milder and inexplicit.

**KeyWords:** social romanticism, Persian and Arabic contemporary poetry, Fereydoon Tavallali and Khalil Matran

---

<sup>1</sup> . Associate professor in Arabic Language and Literature, Yasouj University, Iran.

<sup>2</sup> . M.A. in Persian Language and Literature, Yasouj University, Iran.